

دلیل نهم: اجماع

مرحوم شیخ در پایان بحث می نویسند، دلیل بر اینکه حفظ کتب ضلال مطلقاً حرام باشد نداریم، الا اینکه به «نفي خلاف» تمسک کنیم که از اجماع منقول کمتر نیست:

«و قد تحصل من ذلك: أن حفظ كتب الضلال لا يحرم إلّا من حيث ترتب مفسدة الضلالة قطعاً أو احتمالاً قريباً، فإن لم يكن كذلك أو كانت المفسدة المحققة معارضة بمصلحة أقوى، أو عارضت المفسدة المتوقعة بمصلحة أقوى، أو أقرب وقوعاً منها، فلا دليل على الحرمة، إلّا أن يثبت إجماع، أو يلتزم بإطلاق عنوان معقد نفي الخلاف الذي لا يقصر عن نقل الإجماع.»^۱

ما می گوئیم:

۱. شیخ حسن کاشف الغطا در این بحث به نوعی ادعای اجماع کرده و می نویسد:

«كاد ان يكون في الجملة اجماعاً محصلاً»^۲

۲. مرحوم سید علی طباطبایی درباره عبارت منتهی که در آن صراحتاً «بلاخلاف» آورده است می نویسد:

«و عليه الاجماع عن ظاهر المنتهى»^۳

۳. مرحوم خوبی اجماع را در مسئله مردود دانسته اند و می نویسند:

«و فيه أولاً: انا لا نسلم تحققة على المطلوب، ولذا قال في الحدائق ما حاصله: انه لا دليل على حفظ كتب الضلال، وأما الوجوه التي اقاموها على حرمة فهي تخمينية اعتبارية لا يجوز الاعتماد عليها في الاحكام الشرعية. وثانياً: لو سلمنا تحققة على المطلوب فليس اجماعاً تعديداً لاحتمال استناده الى الوجوه المذكورة في المسألة، ولو سلمنا جميع ذلك فالمتيقن من الاجماع ما يترتب عليه الاضلال خارجاً، ولا ريب ان حرمة اضلال الناس عن الحق من الضروريات بين المسلمين فلا يحتاج في اثباتها الى الاجماع.»^۴

۱. كتاب المكاسب (للشيخ الأنصاري) ط تراث الشيخ الأعظم، ج ۱، ص ۲۳۴

۲. انوار الفقاهة، ج ۵، ص ۶۰

۳. رياض المسائل، ج ۸، ص ۶۸

۴. مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۴۰۵؛ ايضاً ن ك: محاضرات في الفقه الجعفري، ج ۱، ص ۲۵۸





۴. مرحوم زنجانی در این مسئله می نویسد که حتی اگر بپذیریم که ادعای «نفی خلاف» می تواند «اجماع» را ثابت کند ولی در ما نحن فیه نمی تواند باعث پدید آمدن اجماع تبعدی شود چرا که فتاوی فقها مستند به همین ادله به خصوص دلیل عقل است.

«اما الاستدلال بنفی الخلاف المحکی عن التذكرة و المنتهی فیه: انه علی تقدیر تسلیم
اعتباره فی اثبات الاتفاق و الاجماع، فمن البعید فی الغایة کون الاجماع تبعدياً کاشفاً عن
رأی المعصوم بالتعبّد، بل الظاهر ابتناء فتاواهم علی ما مرّ من الادلة المقامة فی المسألة،
سیما التشبث بالاستقلال العقل الذی عرفت تقریبه»^۱

ایشان سپس می نویسد که بر فرض که اجماع هم ثابت شود، چون دلیل لیبی است در قدر متیقن، حکم را ثابت می کند و آن عبارت است از «حفظ کتاب هایی که موجب ضلال در اصول خمس و ضروریات دین و مذهب» می شود.

«ثم علی تقدیر التسلیم فلم یحرز اطلاق الفتاوی و معقد الاجماع، بل القدر المتیقن - لو لم
نقل بانه المنصرف الیه فی کلامهم - تحریم حفظ کتب الضلال و وجوب اتلافها بالمعنی
الخاص الذی عرفته. و علیه، فلا دلیل علی التحريم و وجوب الاتلاف فیما عداه من اقسام
کتب الضلال.»^۲

۵. برخی از بزرگان هم به این نکته شیخ انصاری که «نفی خلاف کمتر از اجماع نیست» اشکال کرده اند: «عدم قصور نفی الخلاف عن الاجماع المصطلح ممنوع اذ یمکن عدم عنوان المسألة الا من قبل جمع قلیل لا یکشف اتفاقهم و عدم خلافهم عن تلقی المسألة عن المعصومین»^۳

۶. در این باره می توان گفت که چنانکه عبارات فقها را در ابتدا مورد اشاره قرار دادیم، نمی توان گفت که این تعداد که متعرض مسئله شده اند «جمع قلیل» هستند. و مخالفت مرحوم صاحب حدائق هم ضرری به اجماع حدسی نمی زند، پس نفی خلاف در مسئله ای که اکثراً متعرض آن شده اند می تواند، همانند اجماع باشد.

۱. المکاسب (الزنجانی)، ج ۱، ص ۲۵۲

۲. همان

۳. دراسات فی المکاسب المحرمة، ج ۳، ص ۹۸

۷. ما سابقاً مدرکی بودن را مانع از حجیت اجماع ندانستیم ولی این در صورتی بود که موجب اطمینان به انتساب حکم به معصوم شود. در حالی که در ما نحن فیه چنین اطمینانی قابل تحصیل نیست. البته این از جهت آن نیست که این حجم از فتاوی، ما را به نظر معصومین نمی رساند بلکه از جهت آن است که تغییر شرایط زمان، به تغییر موضوع و به تبع آن تغییر حکم می انجامد. (به عبارت دیگر موضوعات، تحت عناوین دیگر قرار می گیرند و حیثیت های تقییدیه آنها هم تغییر می کند) به این معنا که اولاً تقریباً در هیچ موردی با امحاء یک کتاب، آن کتاب از دسترس خارج نمی شود. و لذا «اتلاف کتاب های ضلال» به نابودی نوع آن کتاب و از بین رفتن اضلال نمی انجامد و ثانیاً به طور معمول امروزه این کار با توجه به شرایط تبلیغاتی موجود، موجب وهن دین می شود. و ثالثاً امروزه بهتر فهم می شود که صدور فتوا به ضرورت امحاء کتب ضلال، به آثار سوء و عوارض بسیار نامطلوب منجر می شود.

